



آرکیک سری استثنائات را کنار بگذاریم، بهترین مجریان تلویزیون کسانی هستند که از رادیو آمده‌اند، یا حداقل تجربه‌هایی در آن داشته‌اند. همین الان وقتی از مهران مدیری می‌پرسند بهترین رسانه‌ای که در آن کار کرده‌ای کدام بوده، از رادیو نام می‌برد. رادیو اصولاً کادر ساز است و جایگاه آن برای تلویزیون دقیقاً به مثابه جایگاه تئاتر برای سینماست

گفت‌وگو با زهره سادات هاشمی  
درباره انتقالش از رادیو به تلویزیون

# رادیو کادر ساز است



محمد وفایی  
خبرنگار

میسر نشد. با این که برای انتقال من به تلویزیون خیلی تلاش شد و کار سختی بود، چون گوینده رسمی رادیو بودم و انتقال از رادیو به تلویزیون از لحاظ سازمانی موانع زیادی دارد. نمی‌دانم چه اتفاقی باعث شد من «تهران ۲۰» را اجرا نکنم. بعد «جشن رمضان» پیشنهاد شد که مجریان اصلی‌اش آقای احمدزاده و آقای شهریاری بودند و من چند گفت‌وگوی هفت هشت دقیقه‌ای با مدیران کمیته امداد گرفتم اما این برنامه با سبک اجرای من تناسب نداشت. زمستان ۱۳۹۱ درخواست دادم به شبکه سه منتقل شوم و با موافقت آقای زین العابدین، مدیر وقت شبکه سه، این اتفاق افتاد.

با چه برنامه‌ای کار در شبکه سه را شروع کردید؟

به محض ورود به شبکه سه برنامه «سفر به خیر» را همراه با آقای اکبرنژاد اجرا کردم. آن زمان این قانون که مجری زن با مهمان زن و مجری مرد با مهمان مرد باید گفت‌وگو کند، خیلی سفت و سخت بود. سه چهار شب مانده به نوروز گفتند آقای احمدی‌نژاد قرار است مهمان برنامه باشد و تصمیم بر این بود که آقای اکبرنژاد این گفت‌وگو را انجام دهد. دو ساعت قبل از برنامه به من گفتند بیا و گفت‌وگو با رئیس‌جمهور را دو نفری انجام دادیم که برایم تجربه مهمی بود.

بعد از «سفر به خیر» چه برنامه‌هایی داشتید؟

اجرای برنامه «گلخانه» را در شبکه سه شروع کردم. بعد با آقای صوفی و آقای ضابطیان آشنا شدم و یکشنبه‌ها برنامه رادیو هفت شبکه آموزش را اجرا کردم. بعد از چند هفته اجرا، شبکه قانون گذاشت که از ساعت ۹ یا ۱۰ شب به بعد خانم‌ها اجرا نکنند! به همین دلیل نتوانستم اجرای این برنامه را ادامه دهم. بعد از چند وقت دوباره مقدمات همکاری با «رادیو هفت» فراهم شد و دوباره می‌خواستم این برنامه را اجرا کنم، گفتند که قانون آمده کسی نمی‌تواند از یک شبکه به شبکه دیگری برود. اجرای مسابقه «۱۰۳» و گفت‌وگو با مهمانان خانم در برنامه «سه ستاره» احسان علیخانی دیگر کارهایم در شبکه سه بود. بعد برنامه «صد برگ» شبکه چهار و برنامه

کمرنگ شد. البته تجربه‌هایی در رادیو گفت‌وگو، رادیو تجارت (رادیو اقتصاد فعلی) و رادیو ورزش هم داشتم.

سال ۱۳۹۰ از رادیو استعفا دادید. چطور شد که با رادیو خدا حافظی کردید؟

از اواسط دهه ۸۰ در رادیو چهره شده بودم و پیشنهادهای خوب تلویزیونی داشتم، اما مدیران وقت رادیو اجازه نمی‌دادند به تلویزیون بروم. از طرفی خودم حس می‌کردم که رادیو اشباعم کرده بود، چون برنامه‌های پرمخاطبی را اجرا کرده بودم و به انجام گفت‌وگوهای صریح شهرت داشتم.

بعد از خروج از رادیو، در تلویزیون با چه برنامه‌ای آغاز به کار کردید؟

هفته‌ای یک روز با برنامه «اردی بهشت» شبکه چهار شروع کردم که در موضوع زنان و خانواده تهیه می‌شد. برای اجرای سری جدید برنامه «تهران ۲۰» هم از من دعوت شد اما در نهایت شرایط همکاری

همان قدر سریع و صریح صحبت می‌کند که در برنامه‌های گفت‌وگو محور می‌بینیم. حافظه دقیقی دارد و موقع صحبت درباره بعضی از نقاط عطف کارنامه کاری‌اش، حتی به این که در کدام روز از هفته رخ داده اشاره می‌کند. چیزی را از قلم نمی‌اندازد و همه جزئیات را در کامل‌ترین شکل بیان می‌کند. زهره سادات هاشمی متولد ۱۳۵۶ است و کارش را با رادیو شروع کرده، اما همواره دغدغه اجرای تلویزیونی و ارتباط چهره به چهره با مخاطبان رسانه ملی را داشته است. با او یک دور تمام کارنامه ۲۵ ساله‌اش در رسانه را بررسی کردیم و به چگونگی کوشش از رادیو به تلویزیون پرداختیم.

تا ۱۳۸۳ به مدت سه سال برنامه «ایستگاه ورزش» رادیو جوان را اجرا کردم که در آنجا گزارش فوتبالی هم انجام دادم. سال ۱۳۸۴ برنامه «روی خط جوانی» را اجرا کردم که به نوعی آغاز حضور حرفه‌ای من به عنوان یک مجری جا افتاده بود. در آن برنامه گفت‌وگوهای سیاسی و چالشی را می‌گرفتم. بعد «قرار شبانه» را اجرا کردم که آن هم برنامه اثرگذاری بود و بعد برنامه‌های «ساعت ۲۵» و «مثلث» را اجرا می‌کردم تا این که در دی ماه ۱۳۸۷ به عنوان مدیر «باشگاه رادیویی جوان» انتخاب شدم و دیگر حضورم به عنوان مجری در رادیو

شما چه سالی وارد رادیو شدید؟ با گویندگی شروع کردید یا برنامه‌سازی؟

من در دی ماه ۱۳۷۴ وارد صداوسیما مشهود شدم و کارم را با بازیگری نمایش رادیویی آغاز کردم. ولی چون دوره کارگردانی فیلم و سینما هم دیده بودم، همزمان منشی صحنه برنامه «جنگ جوان» مشهود هم بودم که از شبکه سه پخش می‌شد. آنجا همزمان گزارشگری رادیو هم انجام می‌دادم تا این که در آبان ۱۳۷۶ به تهران آمدم.

وقتی به تهران آمدید، بین رادیو و تلویزیون کدام را انتخاب کردید؟

آقای پورنجاتی، معاون وقت سیما مرا به آقای صافی مدیر شبکه سه و آقای پورمحمدی و همزمان گروه کودک شبکه یک معرفی کردند. آن زمان من گزارشگر برنامه معروف «نیم‌رخ» و برنامه «سیمای نوجوان» شدم و همزمان در برنامه «جوشش» سیمای خانواده مسؤول هماهنگی، گزارشگر و نریتور بودم. در شبکه سه هم در برنامه صبحگاهی گزارشگر بودم تا این که در تابستان ۱۳۷۷ به رادیو جوان رفتم و پس از پذیرفته شدن در تست، رسماً گوینده رادیو شدم.

اولین برنامه‌ای که در رادیو جوان داشتید، چه بود؟

بخت با من یار بود که تهیه‌کننده اولین برنامه‌ام آقای فرهنگ جولایی و گوینده پارتنرم آقای امید زندگانی بودند. یک برنامه تولیدی بود که در سال ۱۳۷۷ هفته‌ای یک بار پخش می‌شد. اولین برنامه زنده‌ام در رادیو، برنامه «باشگاه جوان» بود که هر روز یک ساعت به شکل کاملاً بداهه روی آنتن می‌رفت و اصلاً متن آماده نداشت! در ۲۱ سالگی کار سختی بود، به خصوص که جایگزین مهناز دوستی یکی از گویندگان معروف آن زمان شده بودم. از سال ۱۳۸۱

## تجربه مدیریت در رادیو برایتان چطور بود؟



هیچ وقت به مدیریت فکر نمی‌کردم و حتی آن سال‌ها به مدیریت نبودن شناخته می‌شدم. (خنده) چون آدم صریحی هستم و همیشه مدیران را به چالش می‌کشم. باشگاه رادیویی جوان ۱۲ سال قدمت داشت و در آن زمان به مدت هفت ماه کاملاً تعطیل شده بود. وظیفه من احیا و بازسازی باشگاه بود و خدا را شکر تجربه فوق‌العاده‌ای شد. کارمان ارتباط با

مخاطب و استعدادیابی و آموزش نیروهای علاقه‌مند به برنامه‌سازی، گویندگی و اجرا در رادیو بود و باشگاه عملاً برای سازمان کادرسازی می‌کرد. از وجود ۶ استاد و مدرس حرفه‌ای مانند ژاله صادقیان، فریدون محرابی، ایوب آقاخانی، میکائیل شهرستانی، محمدرضا شهیدی فر، بهزاد فراهانی، سروش صحت و... بهره می‌بردیم که به نتایج خوبی هم رسیدیم. مجریانی مانند مبینا نصیری، فریبا باقری، الهه پرسون و مجید یحیایی و بسیاری از برنامه‌سازان رادیو جوان و شبکه‌های دیگر، از خروجی‌های باشگاه رادیویی جوان هستند.